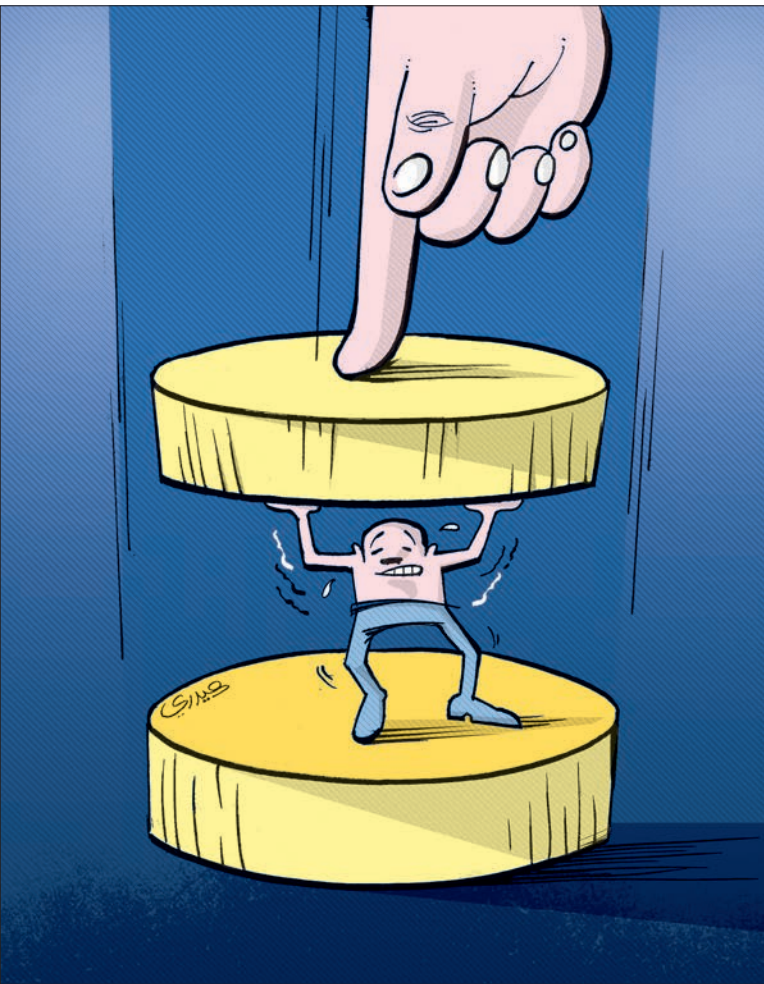




مساله‌ای که سال‌هاست ورزش ایران را تحت تأثیر قرار داده‌است

دخالت یا نظارت؟



حسین جمشیدی
روزنامه‌نگار

از زمانی که یادمان می‌آید، ورزش ایران با بودجه دولتی کار خود را پیش می‌برد و هنوز هیچ فدراسیونی نتوانسته بدون کمک‌های مالی وزارت ورزش و در گذشته سازمان تربیت بدنی به راهش ادامه دهد. حال با توجه به این که فدراسیون‌ها بودجه خود را با پول دولت تأمین می‌کنند و باید چقدر در برابر دستورات وزارت ورزش تابعیت داشته باشند، یعنی است که هیچ وقت حد و مرز آن تعیین نشده و گاهی اوقات همین مسأله اختلافات گسترده‌ای را ایجاد کرده است. ورزش کشورمان تجربه‌های تلخی هم در این باره دارد که می‌توان تعلق فدراسیون فوتبال بعد از جام جهانی ۲۰۰۶ را مهم‌ترین مورد آن عنوان کرد. با این که در وزارت ورزش دوره جدید به نظر این دخالت‌ها به حداقل رسید اما همچنان انتقادهای زیادی وجود دارد و همین امر بهانه‌ای شد تا به بررسی این اتفاق مهم بپردازیم.

از گذشته تاکنون

شاید بیش از یک‌دهه قبل دخالت سازمان تربیت بدنی در امور فدراسیون‌ها خیلی تلخی تر و حالا وجود داشت و به دلیل جفافان این موضوع هم کسی اِیرادی به آن نمی‌گرفت. حمایت می‌شدند، در رأس فدراسیون‌ها قرار داشتند و به همین دلیل به دستورات رئیس سازمان که معاون رئیس جمهوری نیز محسوب می‌شد، گوش فرامی‌دادند اما قانونی که در زمان حضور هاشمی‌طبا در رأس ورزش نوشته و مورد تصویب هیأت دولت قرار گرفت، باعث شد حداقل اسما فدراسیون‌ها خصوصی تلقی شوند. مجامع انتخاباتی فدراسیون‌ها قانونمندتر شد، اگر چه باز هم رئیس سازمان تربیت بدنی و سپس وزیر ورزش به‌عنوان رئیس مجمع معرفی شدند تا در نهایت اختیار اصلی برعهده متولی ورزش باشد.

تجربه‌های تلخ که باید باعث عبرت شود
شاید زمانی که دستور برکناری محمد دادگان هنگام برگزاری جام جهانی ۲۰۰۶ صادر شد، محمد علی‌آبادی، رئیس وقت سازمان تربیت بدنی فکر نمی‌کرد با چالش مواجه شود که برای گذشتن از این بیش از یک‌سال وقت صرف کند. دخالت آشکار دولت در کنار گذاشتن رئیس فدراسیون فوتبال باعث شد تا فیفا رأی به تعلق فدراسیون فوتبال بدهد و مسئولان ورزش ایران مدت‌ها وقت بگذارند تا بتوانند فوتبال را از تعلیق خارج کرده و به روز اولش بازگردانند. این ماجرا گذشت تا این که در

اواخر سال ۹۰ و اوایل سال ۹۱ محمد عباسی که اولین وزیر ورزش ایران محسوب می‌شد، دست به اقدام عجیبی زد و در اکثر فدراسیون‌ها تغییر ایجاد کرد، تا جایی حتی در یک روز رئیس فدراسیون تغییر کردند! این اقدام در آستانه مسابقات المپیک لندن شوک عجیبی را به ورزش ایران وارد آورد و همان رؤسای برکنار شده، علیه وزیر ورزش شدیداً موضع گرفتند. مدتی نگذشت دولت در کنار گذاشتن رئیس فدراسیون فوتبال باعث شد تا فیفا رأی به تعلق فدراسیون فوتبال بدهد و مسئولان ورزش ایران مدت‌ها وقت بگذارند تا بتوانند فوتبال را از تعلیق خارج کرده و به روز اولش بازگردانند. این ماجرا گذشت تا این که در

از نظر فدراسیون‌ها، رئیس بین‌المللی، رئیس مجمع آن فدراسیون محسوب می‌شود اما وقتی مجامع فدراسیون‌ها برگزار می‌شود، وزیر ورزش یا معاونان آن را به‌عنوان رئیس مجمع مشاهده می‌کنیم. همین مسأله آغازی برای به‌وجود آمدن اختلافات است که البته گاهی اوقات آشکار هم می‌شود.

داشتند و در نهایت نیز این مسأله با تعامل حل شد اما همچنان اختلاف بزرگی در میان است. از نظر فدراسیون‌های بین‌المللی، رئیس فدراسیون، وقتی مجامع فدراسیون‌ها برگزار می‌شود، وزیر ورزش یا معاونان آن را به‌عنوان رئیس مجمع مشاهده می‌کنیم. همین مسأله آغازی برای به‌وجود آمدن اختلافات است که البته گاهی اوقات آشکار هم می‌شود.

فدراسیون خصوصی باید درآمزا باشد
مطمئناً اگر ورزش ما به صورت خصوصی و حتی نیمه‌دولتی اداره می‌شد، این‌گونه مشکلات هیچ وقت به وجود نمی‌آمد اما به نظر نمی‌رسد با وضع فعلی اتفاق خاصی در این زمینه رخ دهد یا مثلاً فدراسیون‌ها به معنای واقعی خصوصی شوند. جز چند فدراسیون مثل فوتبال، والیبال و بسکتبال شاید سایر رشته‌ها ۱۰ درصد از هزینه‌های سالیانه‌شان را از طریق درآمدزایی خود تأمین نمی‌کنند. البته خیلی هم نمی‌توان به آنها خرده گرفت زیرا شرایط برای این کار مهیا نیست اما آیا فدراسیونی که ۹۰ درصد از بودجه خود را از دولت می‌گیرد، نباید حداقل از سوی مسئولان دولتی ورزش توصیه‌پذیر باشد؟ این سوالی است که هیچ کس نتوانست پاسخ دقیقی به آن بدهد. البته خیلی از مواقع رؤسا راهی جز این کار ندارند تا بتوانند جای خود را روی صندلی ریاست محکم کنند اما مشکل دقیقاً همان معدود رؤسای هستند که زیر بار مشورت گرفتن از وزارت ورزش نمی‌روند.

تعامل، تنها راه حل

تنها راه‌حلی که در شرایط موجود به نظر می‌رسد و شاید در میان تمام کارشناسان مسئولان نیز مشترک است، تعامل است. وزارت ورزش وقتی کاندیدایی از سوی مراجع مختلف تأیید صلاحیت شده و در مجمع فدراسیون نیز رأی می‌آورد، به‌نظر افراد متخصص احترام گذاشته و تا شخص اول هر فدراسیونی برای پیشبرد اهداف آن تعامل کند نه این که از شخص موردنظر وزارت خانه رأی نیاورد، با اهرم فشار آن را فراری دهد و در نهایت به آن رشته ضربه بزند. از سوی دیگر رؤسای فدراسیون با توجه به این که مجبور به تأمین هزینه‌های خود از سوی دولت هستند، نباید برای باز کردن ورزش و معاونانش در تعامل باشند و از آنها مشورت بگیرند نه این که راه خود را که حتی شاید اشتباه هم باشد، بروند و در نهایت از بی‌پولی و عدم حمایت وزارت ورزش از آنها انتقاد کنند. در ضمن این ظرفیت نیز باید میان رؤسا وجود داشته باشد که همان‌طور که در تا کلامی رئیس قبلی آنها روی کار آمده‌اند، باید در صورت به نتیجه نرسیدن اهدافشان، تغییرات را بپذیرند و فکر نکنند که باید سال‌ها به صندلی ریاست تکیه بزنند.

تا مشکل این فدراسیون‌ها حل نشود تا تنها متضرر ورزش ایران نباشد البته در دوره جدید وزارت ورزش که تقریباً ۱۰ ماهی از آن می‌گذرد، شاهد چنین تغییراتی در رأس فدراسیون‌ها نبودیم.

یکی از چالش‌های اصلی در این ماجرا، مغایر بودن برخی از بندهای اساسنامه فدراسیون‌ها که داخل کشور تصویب شده و اجرا می‌شود، با قوانین فدراسیون‌های بین‌المللی است. در ۲۳ سال اخیر که برخی فدراسیون‌ها تعلیق شده بودند، رأی فدراسیون‌های بین‌المللی تأکید زیادی روی اصلاح اساسنامه

فعال شدن مجامع فدراسیون‌ها می‌تواند راهگشا باشد

هاشمی طبا: با دخالت مستقیم وزیر مخالف

فوتبال بعد از جام جهانی ۲۰۰۶ داشتیم که کار به تعلیق هم کشید اما بعد از آن هم هیچ تغییری در رویه سازمان تربیت بدنی وزارت ورزش به وجود نیامد.

از نظر شما وزارت خانه فعلی چه رویه‌ای را دنبال می‌کند؟
اشکالی که هم‌اکنون در وزارت خانه وجود دارد این است که بیش از حد به دنبال فدراسیون‌هاست. شاید به این دلیل است که هماهنگی وجود ندارد. البته در دوره قبلی این اتفاقات بسیار بیشتر دیده می‌شد و دایماً رؤسا تغییر می‌کردند که برای ورزش مثل سم بود. فدراسیون‌ها را تا حدی که ممکن است باید آزاد گذاشت و در مواقعی که نیاز است از انحراف جلوگیری شود، وارد شد. وزیر و معاونانش باید بیشتر با ادارات کل استان‌ها در ارتباط باشند، زیرا از آن طریق نیز می‌توان نوعی فدراسیون‌ها را کنترل کرد.

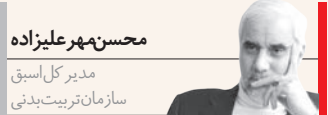
پس اگر فدراسیون‌ها خصوصی هستند، چرا از دولت بودجه می‌گیرند؟

بار دیگر تأکید می‌کنم که تنها راهکار پایان دادن به بحث دخالت سازمان تربیت بدنی و حالا وزارت ورزش شخصاً با دخالت مستقیم وزیر ورزش و معاونانش در امور فدراسیون‌ها مخالم اما نباید یادمان برود که وزیر ورزش، رئیس مجمع به‌شمار می‌آید و هر کاری که مدنظرش باشد می‌تواند از آن طریق پیگیری کند. وقتی وزیر و مجمع را تشکیل دهد و تعامل بین فدراسیون و وزارت ورزش برقرار شود، یک کار مدیریتی قشنگ صورت می‌گیرد.

طبق قانون، فدراسیون‌ها خصوصی هستند یا دولتی؟
مادر دورانی که حضور داشتیم، اساسنامه‌ای را نوشتیم و به تصویب هیأت دولت رسید که فدراسیون‌ها طبق آن خصوصی تلقی می‌شوند. همین ماجرا باعث شده تا دولت به صورت مستقیم نتواند در فدراسیون‌ها دخالت کند. تجربه تلخی در فدراسیون

نگاه

مرز بین دخالت و هدایت مشخص نیست



محسن مهرعلیزاده
مدیر کل اسبق سازمان تربیت بدنی

بین‌المللی مقایسه کرد. مثلاً در کشورهای غربی نقش مداخله دولت در ورزش بسیار پایین است البته از نظر مالی نیز دولت حمایت زیادی از فدراسیون‌ها نمی‌کند و فدراسیون‌ها برای خودشان درآمدزایی می‌کنند. آن‌جا نقش فدراسیون‌ها و کمیته ملی المپیک در ورزش قهرمانی بسیار بزرگ‌تر از وزارت ورزش است اما در کشور ما این گونه نیست و هر اتفاق و ناکامی که رخ می‌دهد، همه به‌سرع و سراز تخانه می‌روند.

از سویی دیگر در کشورهای عربی، فدراسیون‌ها کاملاً دولتی هستند و از طریق دولت تأمین می‌شوند که دخالت نیز بسیار زیاد دیده می‌شود.

به‌نظم برگزاری مجمع در زمان رخ دادن اختلافات مشکلی را حل نمی‌کند و اتفاقاً به این اختلافات دامن می‌زند زیرا همان‌طور که گفتیم مرز بین دخالت و هدایت مشخص نیست. باید صورت‌های واضح مشخص شود تا اختلافات به حداقل برسد.

این یک رابطه دوطرفه میان وزارت خانه و فدراسیون است و بهتر است فدراسیون‌ها تصمیم‌گیری‌های ورزش را بپذیرند زیرا با رایزنی که با مسئولان داشتند، سرکار آمدند و حالا باید با آنها هماهنگ باشند. از طرف مقابل هم وزارت ورزش با وجود این که پول به فدراسیون‌ها تریق می‌کند، برای فدراسیون‌های قانونمند راه را باز کند. اگر وزیر و بویژه معاونانش با فدراسیون‌ها تعامل بهتری داشته باشند، مشکلات خیلی زودتر از آن که به‌اختلاف برسد، حل می‌شود.

دیدگاه

عدم نظارت روی فدراسیون ملی، منطقی نیست



امیر ضاوعاظا آشتیانی
کارشناس ورزش

نظرش را اعمال کند، نه پای فدراسیون جهانی وسطی می‌آید و نه هیچ شخص دیگری. در سال‌های اخیر چند باری شاهد تعلیق فدراسیون‌های داخلی کشورمان از سوی فدراسیون‌های بین‌المللی بوده‌ایم. این مسأله ۲۰ سال دارد. یکی آگانفون رؤسای فدراسیون‌های ورزشی از نحوه اداره کردن این سازمان و دوم این که وزارت ورزش یا سازمان تربیت بدنی وقت ادبیاتش به نحوی است که نماد دخالت است. اینها در کنار مسائل سیاسی که برای کشورمان در مجامع بین‌المللی رخ داده، باعث می‌شود فدراسیون‌های جهانی از این مسائل بهره‌بردار می‌شوند. در واقع مجمع بین‌المللی نگاهی خصمانه به ایران دارند و در حالی که در کشورهای دیگر اتفاقات بدتری هم رخ می‌دهد اما مشکلی برایشان پیش نمی‌آید.

مجمع نیز می‌تواند ابزار خوبی برای وزارت ورزش باشد و اگر مدیری نمی‌تواند کارش را خوب انجام دهد، سریعاً مجمع درباره آن تصمیم‌گیری کند اما متأسفانه همیشه در شورایی کار کردن مشکل داریم و مجمع نیز خوب برگزار نمی‌شوند. بیشتر شاهد پاندمی در مجمع بودیم و اگر قرار است نگاه دیگری به‌وجود بیاید از طریق همان مجمع باشد. از طرفی دیگر چون وزارت ورزش به فدراسیون‌ها پول می‌دهد، از آن می‌تواند به‌عنوان یک ابزار استفاده کند که اگر رئیس راه اشتباه ادبیات مخصوص به هدایت را بلد نیستیم و همین مسئله باعث بروز اختلافات می‌شود. اگر وزارت ورزش با یک ادبیات تعریف شده و یک نگاه منطقی

وزارت ورزش وظیفه نظارت و ارزیابی دارد

احمدی: فاصله بین دولت و ورزش بی‌معنی است

عبدالحامد احمدی، معاون فرهنگی وزارت ورزش و جوانان با دفاع از عملکرد مسئولان فعلی این وزارت خانه در رابطه با عدم دخالت در امور فدراسیون‌ها به شکل مستقیم، معتقد است: وقتی فدراسیون‌ها از دولت بودجه کسب می‌کنند باید از دولت نیز فرمان بگیرند و با هدایت وزارت ورزش خط‌خود را تعیین کنند. وی در این باره به «شهروند» می‌گوید: «ابتدا این را بگویم که اگر فضای تعاملی میان مجموعه مدیریت در ورزش وجود نداشته باشد، بحث‌هایی این چنین مثل دخالت در امور فدراسیون‌ها به‌وجود می‌آید اما در صورتی این تعامل و هماهنگی وجود داشته باشد، این دخالت‌ها تبدیل به مشاوره می‌شود و هیچ کس هم روی آن حساس نیست. همچنین شرایط هر فدراسیونی متفاوت است و نمی‌توان به همه آنها به یک صورت نگاه کرد. خیلی از فدراسیون‌ها هستند که تمام منابع مالی‌شان از طریق وزارت ورزش تأمین می‌شود. برخی دیگر از فدراسیون‌ها که حتی درآمذزایی بالایی دارند، باز هم گاهی اوقات به وزارت ورزش تکیه می‌کنند».

وی همچنین می‌افزاید: «کثر فدراسیون‌ها حتی از خودشان یک ساختمان هم ندارند و مجبور هستند که با وزارت ورزش همراهی و همکاری کنند اما به عقیده من تک‌تای می‌تواند به کلیت ورزش آسیب بزند، این است که بخواهیم بین دولت و ورزش فاصله ایجاد کنیم. این مسأله با علم به این که تمام امورات ورزشی از طریق حمایت پیش می‌روند، منطقی می‌نماید یعنی است اما متأسفانه در این میان برخی مدیران که از دل دولت به رأس می‌شوند، فدراسیون می‌سند، جایگاه قبلی‌شان یادشان می‌رود و کار خراب می‌کنند».

معاون وزیر ورزش در ادامه خاطر نشان می‌کند: «متأسفانه در دهه اخیر ما شاهد اظهارنظرهایی از سوی مدیرانی که خودشان دولتی بوده‌اند و از دل دولت در کمیته المپیک یا فدراسیون‌ها پست گرفته‌اند، بوده‌ایم که متأسفانه گذشته خود را زود فراموش کرده‌اند. همان‌ها می‌کنند که از

نظر

دخالت، در توصیه آیین‌نامه‌ای باشد



داریوش مصطفوی
رئیس اسبق فدراسیون فوتبال

هم‌ایرداتی از وزارت ورزش گرفته شود که چرا در مثلاً فوتبال دخالت می‌کند اما این مسأله تقصیر مسئولان فعلی هم نیست و پایه، کار ما ایراد دارد. در کشورهایی که این فرهنگ وجود دارد، دخالت زیاد نیست اما در کشور ما ریشه این کارها متفاوت است.

در نوع فعالیت‌های فعلی می‌توان دخالت را در ریشه کار مشاهده کرد. همین رؤسای که از دخالت وزارت ورزش در انتخابات فدراسیون انتقاد می‌کنند، خودشان در انتخابات هیات‌های استانی صدرصد دخالت دارند، پس باید توقع دخالت وزارت ورزش را هم داشته باشند اما این که چقدر رؤسای فدراسیون‌ها دخالت‌پذیر هستند و دوم این که چقدر فدراسیون‌ها از نظر مالی در مضیقه قرار دارند. وزارت ورزش در این میان می‌گوید، وقتی ما پول فدراسیون‌ها را می‌دهیم، چرا نباید دخالت کنیم که شاید مینا و معیار درستی نباشد اما این مسأله جا افتاده. بهتر است که دخالت وزارت ورزش در حد توصیه‌های آیین‌نامه‌ای باشد نه این که در مسائل فنی و مدیریتی فدراسیون‌ها دخالت کند. مثلاً بحث انتخاب سرمربی و مسئولان دیگر فدراسیون باید از سوی رئیس صورت بگیرد زیرا او رأی اعتماد مجمع را گرفته و در حیطه فدراسیون خود می‌تواند از اختیاراتش استفاده کند. در کل جا افتادن این مسأله نیاز به یک تعامل همه‌جانبه دارد تا همه افکار قبلی پاک شود و تغییر کند. شاید الان

